

مجله اقتصادی

با شماره بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی

سال پنجم شماره‌های ۴۹ و ۵۰ آذر و دی ۱۳۸۴

- گزارش شش ماهه بورس منطقه‌ای کرمان از افتتاح تا پایان ۱۳۸۳
نسرین خاندان
- ساختار اشتغال در بخش غیر رسمی کشور
دکتر محسن رنانی
- بررسی پیامدهای اقتصادی در بازار بورس اوراق بهادار منطقه‌ای اصفهان
بتول سپهری مقدم، خالد امیر یوسفی
- کاربرد گسترده اظهارنامه مالیاتی الکترونیکی در سطح جهان
مریم گرامی
- مهندسی مالیاتی با تشکیلات جدید مؤدیان بزرگ (مطالعه موردی شهرستان مشهد)
منصور ملایی پور
- شهرکهای صنعتی استان سیستان و بلوچستان، چالشها و آینده
رضا نمک شناس

ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور*

محسن رنانی**

بازار کار به عنوان حلقه ارتباطی بین طرف عرضه و تقاضای اقتصاد نقش مهمی را در به تعادل رساندن اقتصاد به عهده دارد. بنابراین اطلاع از ساختار بازار کار کشور به منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مطلوب ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که ویژگی مهم بازار کار در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه، گسترش بخش غیررسمی در دهه‌های اخیر همراه با رشد اقتصاد است و گستردگی این بخش، احتمال شکست سیاستهای دولت را افزایش می‌دهد در این مطالعه ساختار اشتغال بخش غیررسمی کشور مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بخش غیررسمی کشور در ۱۳۸۲، به طور متوسط حدود ۲۸ درصد از کل اشتغال را به خود اختصاص داده است. بخش کشاورزی بیش از سایر بخشهای اقتصادی زمینه فعالیتهای غیررسمی را فراهم آورده است. همچنین زنان، روستاییان و عرضه‌کنندگان کار با تحصیلات پایین‌تر از دیپلم در مقایسه با مردان، شهری‌ها و دارندگان مدارک دیپلم و بالاتر، شرایط مساعدتری برای حضور در بخش غیررسمی دارند. بر اساس برآوردهای این تحقیق در ۱۳۸۲، ۴۸ درصد زنان شاغل، ۴۵ درصد از روستاییان شاغل و ۳۵ درصد از شاغلان با تحصیلات زیر دیپلم در بخش غیررسمی فعال بوده‌اند.

از نظر ساختار و ویژگیهای شاغلان در بخش غیررسمی نیز ۷۵ درصد از شاغلان غیررسمی را روستاییان، ۲۸ درصد از آنها را مردان و ۹۵ درصد را شاغلان با تحصیلات زیر دیپلم تشکیل داده‌اند. همچنین از نظر توزیع بخشی شاغلان غیررسمی به ترتیب ۶۹، ۱۲، ۸ و ۱۰ درصد از شاغلان در بخش غیررسمی بخشهای کشاورزی، صنعت، ساختمان و خدمات شاغل بوده‌اند.

از نظر این پژوهش، مبارزه با بخش غیررسمی بی‌اثر بوده و دولت به جای مبارزه، باید به سوی تغییرات نهادی برای ارتقای فعالیتهای غیررسمی معطوف شود. این مطالعه نشان می‌دهد که بخش غیررسمی ظرفیت اشتغال‌زایی بالایی دارد، بنابراین شناخت و توجه به بخش غیررسمی و تسهیل فرایندهای قانونی در راستای ارتقای این‌گونه فعالیتهای به سوی رسمی شدن یکی از راه‌های مؤثر کاهش بیکاری در کشور است.

۱. مقدمه

به‌طور کلی در فرایند حرکت کشورها از یک اقتصاد سنتی به سوی اقتصاد مدرن، بازار کار شکل می‌گیرد. از آنجا که تحرک بازار کار می‌تواند به عنوان یکی از شرایط لازم برای کارایی و تحرک

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "بررسی بخش غیررسمی قابل ارتقاء در ایران" است که نویسنده و محققان همکار، با سفارش وزارت امور اقتصادی و دارایی به دانشگاه اصفهان انجام داده و در شهریور ۱۳۸۴ پایان یافته است. نویسنده (مجری طرح) به این وسیله از همکاران گرامی طرح یاد شده ساغر باباجیدری (کارشناس ارشد اقتصاد)، شیرین اربابیان (دانشجوی دکتری اقتصاد)، محمد میرزایی (کارشناس ارشد اقتصاد)، مصطفی دین محمدی (دانشجوی دکتری اقتصاد)، حسن ورمزیار (کارشناس ارشد اقتصاد)، محمد تقی فیاضی (کارشناس ارشد اقتصاد) سپاسگزاری می‌کند.

** دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

سایر بازارها به شمار آید، وضع بازار کار به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصهای رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. یکی از ویژگیهای بازار کار پس از شکل‌گیری اقتصادهای مدرن، تشکیل فعالیتهای غیررسمی و ایجاد مفهوم بازار کار رسمی و غیررسمی است. در واقع ورود دولت به اقتصاد و جامعه و اعمال قوانینی برای ممنوعیت بعضی از فعالیتهای اقتصادی را در گام اول به دو بخش قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌کند. از سوی دیگر بخش قانونی یک اقتصاد در صورتی که با قوانین دست‌وپاگیر و محدودکننده در مسیر ثبت و قابلیت شناسایی واحدهای اقتصادی و ناکارایی و فساد نظام اداری روبه‌رو شود، به دو بخش رسمی و غیر رسمی تقسیم می‌شود.

شکل‌گیری فراگیر بازار کار در ایران را می‌توان با انجام اصطلاحات ارزی همزمان دانست. اصطلاحات ارزی پیوند نیروی کار با زمین را در ایران گسست و شرط لازم پدیداری بازارهای کار سیال و متحرک را محقق کرد اما انفجار عواید حاصل از نفت در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، ساختار بازار کار کشور را سمت و سویی دیگر بخشید. از یک سو، وجود درآمدهای نفتی و ورود فن‌آوری خارجی با سرمایه‌بری بالا را تسهیل کرد و امکان تأسیس صنایع مدرن به‌ویژه دولتی را فراهم کرد و موجب گسترش انحصارها و افزایش قدرت تصدی‌گری دولت شد. از سوی دیگر نیروی کار آزاد شده از زمین (در دوران اصلاحات ارضی) سرمایه اضافه لازم برای ورود گسترده به صنایع مدرن را نداشت. بر این اساس بخش بزرگی از کارگران آزاد شده از بخش کشاورزی و روستایی نتوانستند جذب شغل‌های صنعتی و خدماتی رسمی جدید شوند. این نیروها به تدریج در فعالیتهای غیررسمی خارج از نظارت و هدایت دولت اشتغال یافتند (فعالیهایی که نیاز به سرمایه مالی و انسانی اندکی داشتند و به عنوان فعالیتهای حاشیه‌ای بر اقتصاد رسمی عمل می‌کردند).

این الگوی توسعه ناهمگون در کنار ناکارآمدی نهادی در ایران نظیر ناکارایی بوروکراسی، هزینه مبادله بالا و نظایر آن امروزه به گسترش فعالیتهای غیررسمی منتهی شده است. بخشی از شکست سیاستهای اقتصادی دولت در سالهای پس از جنگ تحمیلی، به دلیل تمکین نکردن (ناتوانی در این امر یا تمایل نداشتن به آن) بخش غیررسمی از سیاستهای دولت بوده است. به طوری که بخش غیررسمی به صورت بخشی خودمختار عمل کرده و مانع تحمیل سیاستهای دولت می‌شود. حاصل شکست سیاستهای دولت در بسیای از زمینه‌های اقتصاد مشهود بوده است. بدون چاره‌جویی برای این وضع و بدون شناخت ساختار و سازوکار بخش غیررسمی، سیاستهای توسعه‌ای دولت به سرانجام مطلوبی نخواهد رسید.

مطالعه و شناخت بخش غیررسمی در ایران هنوز به گونه‌ای جدی در دستور کار سیاست‌گذاران اقتصاد ایران قرار نگرفته است. به طوری که درک کنونی سیاست‌گذاران اقتصاد ایران در مورد بخش غیررسمی مبارزه با این بخش را در پی داشته است و به جای تلاش برای ارتقای آن، آن را به نقطه‌ای غیرقابل حل رسانده است. این مقاله می‌کوشد تا با تکیه بر تجربه مطالعه بخش غیررسمی در سایر کشورها و مطالعات و رهنمودهای سازمان بین‌المللی کار (ILO)^۱ و مفهومی که این سازمان ارائه کرده است همچنین با کاربرد یک روش تلفیقی و جدید برای شناخت ساختار بخش غیررسمی، تصویر واضحی از ساختار این بخش در کل کشور ارائه کند.

۲. مفهوم بخش غیررسمی

اگرچه در چند دهه اخیر بحث در مورد بخش غیررسمی، پیوسته ذهن پژوهندگان بسیاری را به خود مشغول کرده اما به دلیل تفاوت در ویژگیها و اهمیت فعالیتهای بخش غیررسمی در بین کشورها و نواحی مختلف، ادبیات بخش غیررسمی سرشار از واژه‌ها و مفاهیم متفاوت است. این تعاریف گاه و جوه امتیاز بخش غیررسمی از بخش رسمی را مدنظر قرار می‌دهند (تعاریف بخش غیررسمی در کشورهای در حال توسعه) و گاه بر ماهیت بخش غیررسمی متمرکزند (تعریف سازمان بین‌المللی کار از بخش غیررسمی) در حال حاضر مفاهیم رایج در ادبیات بخش غیررسمی بر اساس میزان توسعه‌یافتگی کشورها مطرح می‌شود.

در کشورهای در حال توسعه مفهوم بخش غیررسمی جزو ناشناخته‌ترین مفاهیم در عرصه اقتصاد است. از این رو هر محقق و پژوهنده بر پایه مکتب فکری خود و برشمردن وجوه تمایز بخش غیررسمی از بخش رسمی به تعریفی از بخش یادشده دست یافته است. تا پیش از دهه ۱۹۸۰ در کشورهای در حال توسعه، هسته پژوهشهای مرتبط با بخش غیررسمی را یا یک ارتباط مستقل - و در قالب نظریه‌های دوگانگی در اقتصاد- تشکیل می‌داد، یا ارتباط بین آن دو را یک ارتباط تبعی می‌انگاشت. از دیدگاه حامیان مکتب دوگانگی در اقتصاد مفهوم بخش غیررسمی تمام نظریه‌هایی را پوشش می‌دهد که سعی در توضیح وجود دوگانگی در فعالیتهای اقتصادی داشتند. از این دیدگاه بخش غیررسمی به مجموع فعالیتهایی اطلاق می‌شود که تحت استانداردهای سازمان یافته کشورهای صنعتی شده یا استانداردهای بخش رسمی کشورهای در حال توسعه قرار نداشتند.

در واقع آنان اصطلاح بخش رسمی- غیررسمی را جایگزین جدیدی برای سایر عبارتهای نشان‌دهنده دوگانگی مانند بخش مدرن- سنتی، سیستم تولیدی ارضی- سرمایه‌داری و اقتصاد بازار- اقتصاد بنگاه بر می‌شمردند (همر و مانل)^۱. اما در مقابل، منتقدان رویکرد دوگانگی در اقتصاد (حامیان ارتباط وابسته دو بخش)، بخش غیررسمی را جلوه و نتیجه وجود مناسبات و سازوکارهای اقتصاد سرمایه‌داری می‌دانستند. با نزدیک شدن به پایان دهه ۱۹۸۰ میلادی، نظریه نئولیبرال‌ها به دیدگاه مسلط در حوزه نظریه‌پردازی درباره بخش غیررسمی تبدیل شد.

دسوتو^۲ (نظریه پرداز نئولیبرال‌ها)، با مطرح کردن دلایل ایجاد بخش غیررسمی و ارتباط آن با چارچوب مقررات و قوانین، مطالعات و تحقیقات را در این زمینه دگرگون کرد. (مالدونادو)^۳، اساس دیدگاه دسوتو بنگاه‌هایی غیررسمی هستند که فعالیتهای سودمندی را خارج از چارچوب قوانین انجام می‌دهند و عملکرد آنها خارج از الزامات قانونی است، اما این خروج از الزامات قانونی به علت فرار عمدی از قوانین نیست، بلکه این قوانین هستند که منطبق با واقعیتهای اقتصادی اتخاذ شده و با عملکرد تبعیض آمیز خود مانع ورود تمامی بنگاه‌ها به بخش رسمی می‌شوند (لوایزا)^۴.

در کشورهای توسعه‌یافته، برخلاف کشورهای در حال توسعه، درمورد غیررسمی شمردن بعضی از فعالیتها توافق وجود دارد؛ اما درمورد اینکه چه نامی را بر این بخش بگذارند اتفاق نظر ندارد. در این کشورها، همزمان در پژوهشهای مختلف، مفهوم ارائه شده با واژه‌هایی نظیر اقتصاد سیاه، اقتصاد پنهان، اقتصاد نامنظم و نظایر آن معرفی می‌شود. در واقع در کشورهای توسعه‌یافته مانند کشورهای در حال توسعه بخشی از فعالیتها خارج از اقتصاد رسمی شکل می‌گیرد. اما انگیزه این فعالیتها در این دو گروه از کشورها متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه خروج بخشی از فعالیتها از بخش رسمی اقتصاد به صورت عمدی نیست بلکه نقصان در قواعد بازی و چارچوبهای قانونی انگیزه لازم را در بخش غیررسمی ایجاد می‌کند، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته فرار از قوانین و مقررات به عمد صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، در کشورهای توسعه‌یافته فعالیتها انجام شده خارج از اقتصاد رسمی ممکن است هم از نظر اقتصادی مولد باشند و هم کاملاً قانونی باشند (در صورتی که استانداردها و مقررات معینی رعایت کرده باشند)، اما به منظور اجتناب از پذیرش یا اجرای بعضی از قوانین و مقررات خاص (نظیر پرداخت مالیات بر درآمد، ارزش افزوده یا سایر

-
1. Hemmer and Mannel (1989)
 2. De Soto
 3. Maldonado
 4. Loayza

مالیاتها، خودداری از پرداخت هزینه‌های تأمین اجتماعی، رعایت نکردن استانداردهای حفاظتی با بهداشتی یا رعایت نکردن روشهای اداری معین مانند تکمیل پرسشنامه‌های آماری یا سایر فرمهای اداری) کل یا بخشی از فعالیت آنها به عمد از مقامات دولتی پنهان نگه داشته می‌شود. (سازمان ملل، ۱۹۹۳).

در کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق بخش غیررسمی معادل اقتصاد نوع دوم در نظر گرفته می‌شد و بر فعالیت خصوصی و غیرقانونی که با ایدئولوژی غالب در تضاد بود اطلاق می‌شد (برنابه، ۲۰۰۲)^۱.

در کشورهای در حال گذار تحقیقات در رابطه با بخش غیررسمی بسیار پراکنده است به گونه‌ای که بخش غیررسمی برای توصیف طیف وسیعی از فعالیتها نظیر فرار مالیاتی، فساد مالی، پول‌شویی، جنایات سازمان‌یافته، رشوه‌خواری، تجارتهای کوچک و سرقت از داراییهای دولت به کار می‌رود (برنابه، ۲۰۰۲).

علاوه بر مفاهیم مطرح شده از بخش غیررسمی، به تفکیک میزان توسعه یافتگی مناطق مختلف، سازمان بین‌المللی کار به عنوان مهم‌ترین نهاد مرتبط با مطالعات بازارکار، فعالیتها و تحقیقات بی‌شماری را در مورد بخش غیررسمی انجام داده است. در واقع اصطلاح بخش غیررسمی را اولین بار هیئت اعزامی سازمان بین‌المللی کار به کنیا در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی مطرح کرد. با گذشت زمان بخش غیررسمی در کشورهای در حال توسعه در واکنش به نرخ رشد پایین اقتصادی، افزایش جمعیت، گسترش پدیده مهاجرت، موانع و چالشهای نهادی و نیز به کارگیری نابه‌جای سیاستهای تعدیل ساختاری، گسترش یافت و نقش آن در ایجاد اشتغال و درآمد برجسته شد. از این رو نیاز به طراحی روشهای مناسب و توسعه مفاهیم و فنون جدید برای جمع‌آوری اطلاعات به عنوان پایه و بستری برای برنامه‌ریزی صحیح و سیاست‌گذاری در بخش غیررسمی احساس شد. این مسئله سازمان بین‌المللی کار را بر آن داشت تا تحقیقات و فعالیتهای گسترده‌ای را پیرامون این پدیده در کشورهای در حال توسعه در برنامه‌ها و دستور کار خود قرار دهد. در نهایت در ۱۹۹۳ در پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی کارشناسان آمار کار^۲ مفهوم بخش غیررسمی و دستورالعمل‌های فنی جمع‌آوری اطلاعات این بخش ارائه شد.

1. Bernabe (2002)

2. Labour Statisticians

به طور خلاصه سازمان بین‌المللی کار مفهوم بخش غیررسمی را در قالب بنگاه‌های خانواری معرفی می‌کند. از دیدگاه این سازمان، بنگاه‌های خانواری که در مالکیت و اداره کارگران خود اشتغال یا کارفرمایان هستند و روابط کار و نحوه سازماندهی‌شان ویژگی‌های زیر را دارند متعلق به بخش غیررسمی هستند: (سازمان بین‌المللی کار ۱۹۹۲).

- در تولید کالا و خدمات درگیر هستند و هدف اولیه آنها ایجاد اشتغال و درآمد معیشتی است.
- از نظر سازماندهی و تقسیم کار در سطح پایین فعالیت می‌کنند.
- روابط کار بر اساس قوانین کار شکل نگرفته و اغلب مبتنی بر اشتغال موقت، روابط خویشاوندی و شخصی است.
- دارایی‌های ثابت و سایر دارایی‌های استفاده شده به واحدهای تولیدی تعلق ندارد، بلکه به صاحبان واحدها متعلق هستند.
- مخارج تولید اغلب متمایز از مخارج خانوار نیست.
- منابع تأمین مالی بنگاه محدود و متکی به منابع آورده شده از سوی کارکنان و مالکان واحدها است.
- ماهیت قانونی و شخصیت حقوقی مجزایی بین خانوار یا اعضای خانوار که ملک آنهاست و بنگاه ایجاد نشده است.
- مجموعه کاملی از حسابها (از جمله جدول ترازنامه) که تفکیک شفافی از وضع فعالیت‌های تولیدی بنگاه و فعالیت‌های آن و تمایز میان فعالیت‌های مالی بنگاه و مالکان آن را ارائه می‌دهد، قابل دسترسی نیست.

۳. روش تحقیق

در این مطالعه برای برآورد و محاسبه سهم اشتغال بخش غیررسمی ایران، از سه ویژگی مهم شغلی افراد یعنی نوع شغل، نوع فعالیت و شرایط شغلی استفاده شده و برای هر وضع شغلی ماتریسی با عنوان شغل - فعالیت در نظر گرفته شده است. لازم به یادآوری است با توجه به کدهای ISIC و ISCO (کدهای مربوط به گروه‌های مهم شغلی و فعالیت) ابعاد ماتریس شغل - فعالیت ۳۶۲ در ۳۶۹ است. در ماتریسهای طراحی شده آرایه‌ها بیان‌کننده کل اشتغال در هر دو بخش رسمی و غیررسمی است. در مطالعه، برای استخراج سهم شاغلان غیررسمی در هر آرایه مراحل زیر طی شده است:

۳-۱. تعیین ماهیت انواع فعالیتهای، مشاغل و شرایط شغلی

براساس ویژگیهای شغل افراد (انواع شرایط شغلی، فعالیتهای و مشاغل) می‌توان سه حالت رسمی، غیررسمی و انعطاف‌پذیر را برای هر یک از آنها در نظر گرفت. واضح است که هر چه یک واحد اقتصادی از توانایی شناسایی کمتری برخوردار باشد، قابلیت گریز آن بنگاه از نظارت، کنترل و اعمال سیاستهای دولت افزایش می‌یابد. مجموع ویژگیهای بنگاه‌های فعال در بخش غیررسمی نظیر مقیاس کوچک، مالکیت خانوادگی، فن‌آوری کاربر، کم بودن شاغلان، تکیه بر منابع داخلی بنگاه برای تأمین مالی و نظایر آن قدرت انعطاف و آزادی عمل بالایی برای ورود و خروج این بنگاه‌ها به بازار را به همراه خواهد داشت. همین قدرت انعطاف و آزادی عمل از توانایی شناسایی بنگاه‌های بخش غیررسمی می‌کاهد و بر قابلیت گریز این واحدها می‌افزاید. بنابراین می‌توان گفت هر چه بنگاه‌ها توانایی گریز بیشتر و شناسایی کمتری داشته باشند، احتمال آنکه به بخش غیررسمی متعلق باشند، بیشتر می‌شود.

به‌عنوان مثال فعالیتی مانند فروشنده دوره‌گرد یک فعالیت غیررسمی است. این فعالیت فقط در یک بستر غیررسمی قابل تداوم است و هرگونه تلاش برای رسمی کردن آن ماهیت این شغل یا فعالیت را دگرگون می‌کند. در مقابل، واحدهای اقتصادی با توانایی شناسایی حداکثر و گریز حداقل به‌طور قطع متعلق به بخش رسمی هستند. در واقع ماهیت فعالیت این بنگاه‌ها مشروط به فعالیت رسمی است. یعنی تنها شرط برای تأسیس و ادامه فعالیت، رسمی بودن است و به هر صورتی که بخواهند خود را از حوزه فعالیت رسمی خارج کنند موجب به تغییر ماهیت فعالیت خود می‌شوند. به‌عنوان مثال وکالت شغلی است که ماهیت آن تنها در صورت رسمی بودن قابل تداوم است. بنابراین وکالت یک فعالیت یا یک بنگاه، ماهیتاً رسمی است اما مشاغل بسیاری وجود دارند که ماهیت آنها ایجاب می‌کند که قابلیت شناسایی (یا گریز) آنها در حالت حدی نباشد. مثلاً نجاری فعالیتی است که می‌تواند با مجموعه‌ای از شرایط و ویژگیها، (به‌عنوان مثال شرایطی که مورد نظر سازمان بین‌المللی کار است، مثل مقیاس کوچک، خانوادگی بودن مالکیت و نظایر آن) غیررسمی تلقی شود. اما همین فعالیت ممکن است به گونه‌ای انجام پذیرد که رسمی در نظر گرفته شود. بنابراین مشاغل و فعالیتهای زیادی وجود دارد که بدون اینکه ماهیت‌شان تغییر کند می‌توانند به‌صورت رسمی یا غیررسمی تأسیس یا ادامه فعالیت دهند. این‌گونه مشاغل دارای ماهیت انعطاف‌پذیر هستند. با توجه به مطالب یاد شده در این مطالعه تمام گروه‌های مهم شغل، فعالیت و

انواع شرایط شغلی از نظر تعلق آنها به بخش رسمی، غیررسمی و انعطاف‌پذیر بودن مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.

۲-۳. محاسبه ضریب و شاخص عملیاتی برای وضع نهایی یک شغل

اگر ضریب فعالیت‌های غیررسمی، صفر و ضریب فعالیت‌های رسمی، یک در نظر گرفته شود برای مشاغلی که انعطاف‌پذیر هستند این ضریب به صورتی که در ادامه خواهد آمد محاسبه شده است. به منظور تعیین وضع مشاغل انعطاف‌پذیر یا مبهم، رگرسیون‌هایی با استفاده از ویژگی‌های مختلف شاغلان (که بر شانس حضور آنها در بخش غیررسمی یا رسمی مؤثر است) نظیر جنسیت، سطح سواد، فعالیت در بخش کشاورزی و وضع تأهل برای هر استان به صورت جداگانه تخمین زده شده است.

نتایج حاصل از تخمین‌ها نه تنها میزان تأثیر هر یک از ویژگی‌های شاغلان بر شانس حضور آنها در بخش رسمی یا غیررسمی را مشخص می‌کند، بلکه با توجه به نحوه تخمین (مدل لاجیت) نتایج مشخص‌کننده شانس حضور هر یک از شاغلان در بخش رسمی است. این شانس که با استفاده از ضریب θ برآورد می‌شود برای هر فرد در هر استان چنین است:

$$\theta_{jp} = \frac{\sum_i K_{ij}}{\sum_i \alpha_{ip}}$$

که در آن:

θ_{jp} = شانس حضور فرد j ام در استان p ام در بخش رسمی،

α_{ip} = ضریب برآوردی رگرسیون برای i امین ویژگی شاغلان (مثلاً مرد بودن)، در استان p ام،

K_{ij} = متغیر صفر و یک که در صورتی که فرد j ام از نمونه‌گیری استان p ام دارای ویژگی i ام

باشد معادل یک و در غیر این صورت معادل صفر است.

لازم به یادآوری است که مخرج θ مجموع کلیه ضرایب برآوردی از رگرسیون مربوط به هر استان و صورت θ تنها ضرایبی را دربر می‌گیرد که ویژگی مربوط به آن در مورد شاغل مورد بررسی حاکم باشد. با استفاده از این ضریب شانس هر فرد برای حضور در بخش رسمی محاسبه شده و به‌طور مشخص شانس حضور هر فرد در بخش غیررسمی به صورت $(1 - \theta)$ برآورد شده

است. به این ترتیب در مورد مشاغل نامشخص نیز با استفاده از ضرایب θ سهم شاغلان رسمی و غیررسمی مشخص شد.

۳-۳. تلفیق ضرایب و آمار و استخراج ماتریس نهایی

پس از آنکه وضع نهایی هر شغل از نظر رسمی، غیررسمی و انعطاف‌پذیر بودن مشخص شد و ضرایب مربوط به هر یک اعمال شد، با استفاده از آمار پایه "ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار" مربوط به کلیه استانهای کشور (۲۸ استان) و برای دوره (۸۲-۱۳۷۶)، سهم و ساختار اشتغال غیررسمی محاسبه شد.

۴. تحلیل ساختار اشتغال غیررسمی در کشور

بر اساس اصول نظری مطرح شده و در چارچوب روش ارائه شده و با استفاده از اطلاعات پایه مربوط به آمارگیریهای سالانه ویژگیهای اشتغال - بیکاری خانوار، سهم و ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور برای دوره زمانی (۸۲-۱۳۷۶) محاسبه و شناسایی شده است. با توجه به اینکه نتایج همه سالها بسیار نزدیک به هم بوده و در مواردی هم که برآوردها یکسان نبوده، تفاوت آنها معنی‌دار نبوده است، در این بخش با استفاده از نتایج آخرین سال برآورد (۱۳۸۲) ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور تحلیل می‌شود.

۴-۱. سهم بخش غیررسمی در اشتغال کشور

الف - مردان، زنان و بخش غیررسمی

بر اساس اطلاعات و ارقام جدول شماره (۱) از کل شاغلان کشور در ۱۳۸۲، ۷۲ درصد در بخش رسمی و ۲۸ درصد در بخش غیررسمی فعالیت داشته‌اند. در این میان بررسی وضع شاغلان مرد در ۱۳۸۲ نشان می‌دهد که از کل مردان شاغل در سطح کشور، ۲۵ درصد در بخش غیررسمی فعال بوده‌اند. سهم مشارکت مردان در فعالیتهای غیررسمی بخشهای مهم اقتصاد نشان‌دهنده این است که در ۱۳۸۲ از کل مردان شاغل در بخش خدمات فقط شش درصد در فعالیتهای غیررسمی بخش خدمات شاغل بوده‌اند. به این ترتیب احتمال ورود مردان به فعالیتهای غیررسمی در بخش کشاورزی بیشتر و در بخش خدمات کمتر از سایر بخشهای اقتصاد است (جدول شماره ۲).

بررسی ارتباط سطح تحصیلات با میزان ورود شاغلان مرد به فعالیتهای غیررسمی نشان می‌دهد که زمینه فعالیت مردان با سطح تحصیلات کمتر از دیپلم در بخش غیررسمی بیشتر فراهم است.

مطابق جدول شماره (۳)، ۳۰ درصد از کل مردان شاغل با سطح تحصیلات کمتر از دیپلم در ۱۳۸۲ به فعالیتهای غیررسمی مشغول بوده‌اند، در حالی که این سهم برای شاغلان مرد دارای دیپلم و بالاتر دیپلم به هشت درصد کاهش یافته است.

جدول شماره ۱. سهم شاغلان با ویژگیهای مختلف در بخش رسمی و غیررسمی در ۱۳۸۲ درصد

بخشها/ ویژگیهای شاغلان	رسمی	غیررسمی	جمع
کل شاغلان	۷۲	۲۸	۱۰۰
مرد	۷۵	۲۵	۱۰۰
زن	۵۲	۴۸	۱۰۰
شهری	۸۷	۱۳	۱۰۰
روستایی	۵۵	۴۵	۱۰۰
دیپلم و بالاتر	۹۴	۶	۱۰۰
پایین تر از دیپلم	۶۵	۳۵	۱۰۰

جدول شماره ۲. سهم شاغلان غیررسمی با ویژگیهای مختلف در هر یک از بخشهای اقتصادی در ۱۳۸۲ درصد

ویژگیهای بخشها	شهری	روستایی	مرد	زن	دیپلم و بالای دیپلم	پایین تر از دیپلم	سهم کل
کشاورزی	۶۱	۷۴	۶۸	۹۵	۷۰	۷۲	۷۲
صنعت	۱۳	۳۴	۹	۵۹	۷	۲۴	۲۰
ساختمان	۱۶	۱۷	۱۶	۱۸	۱۱	۱۷	۱۶
خدمات	۷	۶	۶	۶	۴	۱۰	۶

ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور ۳۱

جدول شماره ۳. سهم اشتغال غیررسمی در میان شاغلان با ویژگیهای مختلف در ۱۳۸۲ (درصد)

ویژگیهای شاغلان	مرد - روستایی	مرد - شهری	زن - روستایی	زن - شهری	مجموع	جمع کل
مرد - دیپلم و بالاتر	۱۹	۵			۸	۷
زن - دیپلم و بالاتر			۱۹	۴	۵	
مرد - زیر دیپلم	۴۳	۱۶			۳۰	۳۵
زن - زیر دیپلم			۸۱	۴۸	۷۳	
مجموع	۴۰	۱۲	۷۷	۱۸	۳۰	
جمع کل	۲۵		۵۰			
	جمع شهری	جمع روستایی				
	۱۳	۴۶				

در ۱۳۸۲ بیش از نیمی از زنان شاغل در سطح کشور (۵۲ درصد) در فعالیتهای غیررسمی شاغل بوده‌اند (جدول شماره ۱). اطلاعات جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در ۱۳۸۲ از کل زنان شاغل در بخش کشاورزی، فقط پنج درصد در فعالیتهای رسمی بخش کشاورزی و ۹۵ درصد در فعالیتهای غیر رسمی این بخش مشارکت داشته‌اند. در واقع مطابق با اطلاعات جدول شماره (۲) احتمال ورود زنان شاغل، در فعالیتهای غیررسمی بخش کشاورزی بیشتر از فعالیتهای غیررسمی سایر بخشهای مهم اقتصاد است. همچنین میزان تحصیلات نیز یکی از ویژگیهایی است که می‌تواند در میزان مشارکت و سهم زنان در بخش غیررسمی مؤثر باشد. مطابق با جدول شماره (۳)، فقط پنج درصد از زنان بالاتر از دیپلم به فعالیتهای غیررسمی روی آوردند، در حالی که ۷۳ درصد از کل زنان با تحصیلات دیپلم و کمتر، در ۱۳۸۲، در بخش غیررسمی فعال بوده‌اند. از مقایسه سهم زنان و مردان در بخش غیررسمی می‌توان نتیجه گرفت که:

- برای زنان در مقایسه با مردان اشتغال در بخش رسمی بسیار سخت‌تر و با موانع بیشتری روبه‌روست.
- هم زنان و هم مردان شاغل در بخش خدمات، در مقایسه با سایر بخشها، کمترین امکان، احتمال یا تمایل به فعالیت به صورت غیررسمی را دارند.
- احتمال اشتغال در فعالیتهای غیررسمی برای زنان با تحصیلات دیپلم و کمتر بیش از مردان با موقعیت مشابه است.

ب - شهری‌ها، روستاییان و بخش غیررسمی

مطابق جدول شماره در ۱۳۸۲، از کل شاغلان شهری، ۱۳ درصد در بخش غیررسمی فعال بوده‌اند، در حالی که از کل شاغلان روستایی در همان سال، ۴۵ درصد به فعالیتهای غیررسمی اشتغال داشته‌اند. از این رو به نظر می‌رسد زمینه و بستر فعالیتهای غیررسمی بیشتر در روستاها فراهم است. البته این امکان یا تمایل بیشتر روستاییان به فعالیت در بخش غیررسمی، در همه بخشهای اقتصادی یکسان نیست. به عنوان مثال مطابق جدول شماره (۲)، در حالی که درصد روستاییان شاغل غیررسمی در هر یک از بخشهای کشاورزی و صنعت بسیار بیشتر از شهری‌هاست، این سهم در بخش‌های ساختمان و خدمات، برای روستاییان و شهری‌ها تقریباً برابر است.

همچنین بررسی تأثیر جنسیت در میزان مشارکت شهری‌ها و روستاییان در فعالیتهای غیررسمی نشان می‌دهد که هم مرد روستایی و هم زن روستایی با احتمال بیشتری نسبت به مردان و زنان شهری به فعالیتهای غیررسمی جذب می‌شوند. مطابق با جدول شماره (۳) در ۱۳۸۲ حدود ۴۰ درصد از کل مردان روستایی و ۷۷ درصد از کل زنان روستایی شاغل، به فعالیتهای غیررسمی اشتغال داشته‌اند، در حالی که این سهم برای شهری‌ها به ترتیب به ۱۲ و ۱۸ درصد کاهش می‌یابد.

بنابراین از برآوردهای سهم شاغلان غیررسمی شهری و روستایی کشور می‌توان نتیجه گرفت

که:

شاغلان روستایی نسبت به شهری بیشتر به سوی فعالیتهای غیررسمی سوق داده می‌شوند.

- در بخشهای کشاورزی و صنعت، روستاییان به‌طور نسبی، بسیار بیشتر از شهری‌ها به فعالیتهای بخش غیررسمی جذب می‌شوند در حالی که در بخشهای ساختمان و خدمات سهم شاغلان غیررسمی روستایی و شهری تقریباً برابر است.
- مردان روستایی بیشتر از مردان شهری و زنان روستایی بیشتر از زنان شهری در فعالیتهای بخش غیررسمی حضور دارند.

ج - شاغلان با سطوح تحصیلی مختلف و بخش غیررسمی

در ۱۳۸۲ از کل شاغلان دیپلم و بالاتر، شش درصد و از کل شاغلان با تحصیلات کمتر از دیپلم ۳۵ درصد در بخش غیررسمی فعال بوده‌اند (جدول شماره ۱). در میان شاغلان در بخشهای اقتصادی، دارندگان مدارک پایین‌تر از دیپلم بیش از افراد دارای دیپلم و بالاتر مستعد حضور در بخش غیررسمی هستند. ورود ۷۲ درصد از شاغلان کشاورز کمتر از دیپلم و مشارکت ۲۴ درصد از کل شاغلان صنعت کار کمتر از دیپلم، در فعالیتهای غیررسمی مؤید همین مطلب است

۲-۴. ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور

بررسی ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور از نظر جنسیت، سطح تحصیلات و شهری و روستایی بودن نشان می‌دهد که در ۱۳۸۲، از کل شاغلان کشور ۱۲ درصد زن بوده‌اند، در بخش رسمی زنان ۹ درصد و در بخش غیررسمی ۲۲ درصد از کل مشاغل را در دوره تحت بررسی تصاحب کرده‌اند (جدول شماره ۴).

مطابق با جدول شماره (۴) در دوره مورد بررسی، مردان به طور متوسط ۸۸ درصد از اشتغال کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند. تسلط مردان در اشتغال فرصت‌های شغلی هم در بخش رسمی و هم در بخش غیررسمی نیز وجود دارد. به گونه‌ای که ۹۱ درصد از مشاغل رسمی و ۷۸ درصد از مشاغل غیررسمی در ۱۳۸۲ متعلق به مردان بوده است.

شهری‌ها در کسب فرصت‌های شغلی در بخش رسمی نسبت به روستاییان پیشرو هستند، در حالی که این ارتباط برای بخش غیررسمی متفاوت است، به گونه‌ای که در ۱۳۸۲ در بخش غیررسمی روستاییان ۷۵ درصد و شهری‌ها ۲۵ درصد از کل مشاغل غیررسمی را دارا بوده‌اند.

جمعیت شاغل پایین‌تر از دیپلم، هم در بخش رسمی و هم در بخش غیررسمی سهم بیشتری از اشتغال را نسبت به دارندگان مدارک دیپلم و بالاتر، دارند. این مهم به‌ویژه در بخش غیررسمی کاملاً محسوس است. ۹۵ درصد از کل مشاغل غیررسمی را عرضه‌کنندگان کار با مدارک تحصیلی کمتر از دیپلم تصاحب کرده‌اند. بررسی توزیع جمعیت شاغل غیررسمی در میان بخش‌های مهم اقتصاد (جدول شماره ۵) نشان می‌دهد که شاغلان غیررسمی با هر ویژگی، بیشتر در فعالیتهای کشاورزی شاغل هستند. در واقع ۶۹ درصد از کل جمعیت شاغل غیررسمی کشور در ۱۳۸۲ در بخش کشاورزی فعال بوده است.

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی در می‌یابیم که:

الف - بارزترین ویژگی بازار کار غیررسمی، غلبه سهم مردان نسبت به زنان، روستاییان نسبت به شهری‌ها و افراد با سطح تحصیلات کمتر از دیپلم، نسبت به دارندگان مدارک دیپلم و بالاتر است.

ب - ساختار شاغلان غیررسمی در اقتصاد روستایی و شهری در فعالیتهای کشاورزی شکل می‌گیرد.

ج - به‌طور کلی فعالیتهای کشاورزی بیشتر از سایر فعالیتها ساختار بخش غیررسمی را شکل می‌دهند.

د - شاغلان بخش غیررسمی کشور با ویژگیهای برشمرده شده در بخش کشاورزی بیش از سایر بخشهای اقتصاد جذب می‌شوند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس اطلاعات به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که اصولاً موانع ورود به فعالیت اقتصادی در بخش رسمی، برای زنان، روستاییان و دانش‌آموختگان زیر دیپلم، بسیار بیشتر از مردان، شهری‌ها و افراد دارای دیپلم و بالاتر است. با وجود اینکه از کل زنان شاغل، سهم شاغلان رسمی و غیررسمی تقریباً برابر است (حدود ۵۰ درصد) اما فقط ۲۲ درصد از اشتغال غیررسمی در اختیار زنان است. به عبارت دیگر به طور کلی برای اشتغال زنان، در مقایسه با مردان، شرایط کمتر مساعد است و از آن دسته از زنانی که فرصت اشتغال می‌یابند نیز شانس جذب آنها در بخش رسمی، بسیار کمتر از مردان است. این مسئله نشان‌دهنده این است که موانعی (بعضی از آنها قانونی) بر سر راه اشتغال رسمی زنان وجود دارد که باید برای کاهش آنها سیاست‌گذاری کرد. همچنین پایین بودن سهم اشتغال غیررسمی در بخش خدمات و بالا بودن این سهم در بخش صنعت (در مقایسه با سایر بخشهای غیرکشاورزی) نکته مهمی است که توجه سیاست‌گذاران را می‌طلبد.

در تصور کنونی (هم در مجامع علمی و هم در دستگاه‌های سیاست‌گذار) معمولاً بخش خدمات، اصلی‌ترین بخش برای فعالیتهای غیررسمی قلمداد شده است در حالی که برآوردها خلاف این را بیان می‌کند. این مسئله احتمالاً به این علت است که فعالیت در بخش خدمات نیازمند ارتباط با مصرف‌کننده نهایی است، بنابراین برای جلب و جذب مصرف‌کننده نهایی، بنگاه یا واحد اقتصادی مجبور است در معرض دید باشد، دارای موقعیت مکانی با ثبات باشد و اعتماد مصرف‌کننده را جلب کند (چون معمولاً در بخش خدمات، کالای مورد مبادله از نوع فیزیکی نیست و بنابراین برای مصرف‌کننده امکان کنترل فیزیکی استانداردهای کالایی وجود ندارد. در این صورت فقط مبادلات تکراری و ایجاد اعتماد است که نقش کنترل استانداردها را در خدمات بازی می‌کند). بنابراین با توجه به این شرایط و این ویژگیها، دولت می‌تواند به جای مبارزه با فعالیتهای غیررسمی در خدمات، بکوشد آنها را ارتقا دهد و نیز با سیاست‌گذاری، نه تنها با بخش خدمات مبارزه نکند بلکه امکان گسترش فعالیتهای خدماتی را بیش از پیش فراهم آورد. در این صورت نه تنها اشتغال با نرخ بیشتری گسترش می‌یابد (چراکه تأسیس مشاغل در بخش خدمات، سرمایه بسیار کمتری در مقایسه با به عنوان مثال بخش صنعت، لازم دارد) بلکه گسترش بخش غیررسمی نیز محدودتر می‌شود.

منابع

الف) فارسی

- اسفندیاری، علی اصغر و آیش جمال منش، (۱۳۸۱)، "اقتصاد زیرزمینی و تأثیر آن بر اقتصاد ملی"، مجله برنامه و بودجه، سال هفتم، شماره ۵، ص.ص. ۸۱-۱۱۴.
- توماس، جی جی و همکاران (۱۳۷۶)، *اقتصاد غیررسمی*، ترجمه و تلخیص منوچهر نوریخس و کامران سپهری، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- خلعت‌بری، فیروزه (۱۳۶۹)، "اقتصاد زیرزمینی"، مجله رونق، سال اول، شماره ۲، ص.ص. ۱۸-۱.
- رنانی، محسن (۱۳۷۶)، *بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران*، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی، چاپ اول.
- رنجبری، ابوالفضل (۱۳۷۷)، *حقوق کار*، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول.
- طیبیان محمد (۱۳۷۱)، "رانت اقتصادی به عنوان یک مانع توسعه"، مجله برنامه و توسعه، دوره ۲، شماره ۳، صفحه ۲۵.
- عرب مازاریزدی، علی (۱۳۸۰)، "اقتصاد سیاه در ایران"، پایان‌نامه دکتری رشته اقتصاد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

ب) انگلیسی

- Bernabe, S. (2002), "A Profile of Informal Employment: the Case of Georgia", *Working Paper, ILO, Geneva*.
- Clarke, S. (1999), "Making Ends Meet in a Non-Monetary Market Economy", Center For Comparative Labour Studies, University of Warwick.
- Commannder, S. and Tolstopiatenko, A. (1997), "A Model of the Informal Economy in Transition Economies", the William Davidson Institute: Ann Arbor, Michigan. *Working paper*, 122.
- De Soto, H. (1989), *The Other Path: the Invisible Revolution in the Third*

World, New York: Harper and Row.

Dobozi, I. and G. Pohl, (1995), "Real Output Decline in Transition Economies – Forget GDP, Try Power Consumption Data", *Transition*, 61-2, pp.17-18.

Feige, EL. (1990), "Defining and Estimating Underground and Informal Economies: the New Institutional Economics Approach", *World Development*, 18-7, pp.989-1002.

Hemmer, H. and C. Mannel. (1989), "On the Economic Analysis of the Urban Informal Sector", *World Development*. Vol 7, pp.1543-1552.

ILO (1992). "Report: Statistics of Employment in the Informal Sector: Presented in: Fifteenth International Conference of Labour Statisticians", Geneva, 19-28, Jan. 1993.

Loayza, Norman V. (1996), "The Economics of The Informal Sector: A simple model and some empirical evidence from Latin America", Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy, Elsevier, Vol. 45, pp. 129-162, December.

Maldonado, C. (1995), "The Informal Sector. Legalization or Laissez Fair ?", *International labour Review*, VOL.134, pp.706-728.

Morrisson, C. (1995), "What Institutional Framework for the Informal Sector?", *OECD Development Center*.

Portes, A.M. Castells, and L.A Benton (1989), *Conclusions: The Policy Implications of Informality, in the Informal Economy: Studies in Advanced and Less Developed Countries*, Portes, Castells and Benton eds. Baltimore: John Hopkins University Press. pp.298-311.

Rakowski, C. (1994), "The Informal Sector Debate, part 2: 1984-1993", *The Informal Sector Debate in Latin America*. Cathy A. Rakowsiked, Albany: State University of New York press. pp.32-50.

Roberts, B. (1990), "The Informal Sector in Comparative Perspective", in *Perspectives on the Informal Economy*, M. E. Smith Ed, London: University press, pp.23-48.

U.N. (1993). *System of National Accounts*. New York: U N Pub.